

طرح "بسندگی زبان فارسی"

حذف هویت ملیتهای ایرانی با حذف زبان مادری

اعلامیه "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"

سرپرست معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، رضوان حکیم زاده، روز چهارشنبه هشتم خرداد ۱۳۹۸ اعلام کرد که وزارت آموزش و پرورش با توجه به "تاکید رهبری به یادگیری زبان فارسی" و به منظور "اجرای عدالت آموزشی" و "جلوگیری از زدن برجسب دیرآموز به دانشآموزان مناطق دوزبانه" برای ایران، در صدد اجرای طرح "بسندگی زبان فارسی" در بخشهایی از ایران است که زبان مادری کودکان، فارسی نیست. بر اساس این طرح به گفته رضوان حکیم زاده قرار است استانداردهای آمادگی "بسندگی زبان فارسی" در قالب طرح سنجش نوآموزان احصا شود تا آنها قبل از ورود به دبستان، غربالگری شده و افرادی که با زبان فارسی آشنایی ندارند، خدمت هدفمند دریافت کنند. بدیگر سخن کودکانی که زبان مادریشان فارسی نیست، پیش از ورود به مدرسه باید یک آزمون زبان فارسی دهند و در صورت موفقیت در این آزمون میتوانند به کلاس درس راه یابند. البته فعلا در مورد این که اگر کودکی در آزمون موفق نبود چه خواهند کرد، طرح مشخصی ارائه نشده است و تنها وعده خدمات جبرانی داده شده است.



دولت روحانی ادعا می کند که با این طرح، میکوشد تا از مشکلات آموزشی این کودکان بکاهد اما در اصل، حکومت تلاش میکند تا با تحمیل زبان فارسی به کودکان خردسال پیش دبستانی غیرفارسی زبان، اولاً زبان فارسی را از زبان رسمی به زبان اجباری تبدیل کند و با ادامه این سیاست فاشیستی از جمله هویت ملیتهای ایران را به تدریج از بین برده و سیاست یک دولت مرکزی، یک مذهب و یک زبان که از زمان قدرت گیری حکومت پهلوی تا به امروز ادامه داشته است، را در ابعاد وسیعتر، به مردمان و جامعه ما حقنه کند.

جمهوری اسلامی ایران، از بدو روی کار آمدنش، سیاستهای حکومت شاهنشاهی پهلوی در قبال ملیتهای غیرفارسی زبان ایران را به خشن ترین وجهی ادامه داده و در چهل سال گذشته، با توسل به نیروی سرکوب و نقض حقوق ملی این بخش از مردمان کشور، خواسته های حق

طلبانه آنان را ندیده گرفته است. و هر روز نیز با طرح و برنامه جدید و با ابلاغ بخشنامه، بر دامنه ستم مضاعف و نقص خشن‌تر حقوق ابتدایی شهروندی و بشری آنان میافزاید.

در پی سخنان معاون آموزش و پرورش موج اعتراض وسیعی در مخالفت با این طرح فاشیستی به راه افتاد و دولت برای آرام کردن اوضاع اعلام کرد که این طرح هنوز به مرحله اجرا نرسیده است ولی بر طبق گزارشات خبرگزاری‌ها علیرغم ادعای دولت، در برخی از مناطق ملیتها این طرح به اجرا درآمده است همچنین خودداری ثبت نام کودکانی که در آزمون "بسنده فارسی" موفق نبوده اند، در بعضی از این شهرستانها گزارش شده است.

کنوانسیون حقوق کودک به روشنی در باب اهمیت پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانائیهای ذهنی و جسمی کودکان سخن میگوید. اما پاشنه دولت جمهوری اسلامی ایران همچنان بر بنیاد سیاستهای تبعیض آمیز قرون وسطائی، بنیادگرایانه و فاشیستی میچرخد و روزگار سیاهتری را برای جامعه ما و به ویژه اکثریت کودکان در ایران فراهم می‌سازد. حمید رضا بابایی وزیر آموزش و پرورش چند سال پیش هم گفته بود "70 درصد دانش‌آموزان در سراسر کشور، دو زبانه (شما بخوانید غیرفارسی زبان) اند". در آن دوره نیز وزارت آموزش و پرورش بجای تدارک تحصیل کودکان به زبان مادری همچنان برنامه حقنه کردن زبان فارسی را برای این کودکان مورد توجه قرار داده بود.

کودکی که تا هفت سالگی در خانواده و میان خویشاوندان، در محیط زندگی، محله و شهر به زبان دیگری غیر فارسی سخن میگوید، بسیار طبیعی است که با ورود به مدرسه، زبان شفاهی آموخته در بطن خانواده و یا شهر و روستای خود را با آموختن کتبی آن زبان دنبال کند. اینجا سخن از درصد عظیمی از کودکان مدارس ایران است. نادیده گرفتن زبان مادری کودکان در آغاز تحصیل و نبود آموزش کتبی به زبان مادری آنها، اعمال خشونت علیه کودکان و تجاوز آشکار به ذهن و فکر در حال رشد و تعالی آنهاست.

استدلالهای منطقی، علمی، فرهنگی و انسانگرایانه در این رابطه در گوشه‌های رژیم جمهوری اسلامی کارگر نیست. فاشیسم دینی، خشونت و سیاستهای تبعیض آمیز حاکم در وزارتخانه‌های جمهوری اسلامی در فکر تعرض بیشتر به فکر و اندیشه کودک برای دور ساختن وی از هویت ملی، زبانی و فرهنگی اوست.

در طول چهل سال گذشته تلاشهای رژیمن برای حل مسئله ملی در ایران از طریق نیروی نظامی و زور و سرکوب به جایی نرسیده است و اکنون حکومت با طرحهایی این چنین میکوشد تا صورت مسئله را پاک کند. این طرح اما به مرحله پیش دبستانی محدود نمیشود و فکر بیمار حاکمان دخالت از گهواره را در نظر دارد.

به گزارش ایسنا، رضوان حکیم زاده در نشست خبری، اجرای سنجش سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی نوآموزان (در) بدو ورود به دبستان اظهار کرد: "امیدواریم سنجش را، به جای بدو ورود به دبستان، دوسال قبل دبستان انجام دهیم". وی افزود: "اکنون سنجش به صورت اختیاری برای ۵ ساله ها و به طور محدود برای ۴ ساله ها نیز انجام میشود، اما اگر بتوانیم سنجش را دوسال عقب ببریم امکان مداخلات بهتری فراهم میشود، البته لازمه آن، این است که دوره پیش دبستانی را هم دوسال قبل از کلاس اول داشته باشیم". به دیگر سخن حکومت تصمیم دارد تا با اجرای این طرح از زمان زبان باز کردن کودکانی که زبان مادری آنها غیر فارسی است، در آموزش زبان آنها مداخله کرده و در واقع بصورت خزنده وارد زندگی تربیتی کودکان غیرفارسی زبان شوند. این طرح در واقع بنیان خانواده های ملیتهای مختلف ایران را مد نظر دارد و دور نیست اگر گفته شود که اینگونه میخواهند صورت مسئله "مسئله ملی" در ایران را پاک کنند.

چنانچه این طرح پیاده شود، "بسندگی زبان فارسی" هم به برنامه غربالگری در پیش دبستانی افزوده خواهد شد و از آن به بعد با "نابسندگی" و عدم کفایت زبان فارسی کودکان غیرفارسی زبان، به مثابه یک ناتوانی و مانند مواردی همچون کم بینایی، کم شنوایی یا یک اختلال یادگیری برخورد خواهد شد.

امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا که بشکل فدراتیو اداره می شوند مسئله حفظ زبانهای مردمان یک سرزمین به عنوان یک گنجینه و میراث فرهنگی، از اولویت بالایی برخوردار است و تمامی سازمانهای فرهنگی و حقوق بشری و همچنین سازمان ملل متحد (یونسکو) نه تنها بر حفظ زبانها تأکید دارند بلکه تلاش بر این است که امکانات هرچه بیشتری از طرف دولتها در اختیار این مردمان قرار گیرد، گرایش به همسان سازی و حذف زبانها، گویشها و فرهنگها در واقع تلاشی است برای حذف هویت مردمان ایران و حقه کردن آمریت و استبداد دولت جمهوری اسلامی بر سراسر ایران. ما بر این باوریم که آموزش زبانهای مادری (چند زبانی) باید جزء بنیاد آموزشی در ایران بوده و همچنین بعنوان امکان آموزشی داوطلبانه در مناطق فارسی زبان در برنامه

های آموزشی دبستانی تا دانشگاهی تدارک دیده و اجرا شود، چرا که زبان، پل ارتباط میان فرهنگ ها و ملیت های گوناگون و امکانی برای تحقق برابرقوی فرهنگی است.

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” طرح بنیادگرایانه، فاشیستی، ستمگرانه و کودک آزار “بسندگی زبان فارسی” برای کودکان غیرفارسی زبان را به شدت محکوم می کند. “همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” ضمن تاکید بر جایگاه زبان فارسی به عنوان زبان مشترک و ارتباطی بین تمامی مردمان ایران، بر لزوم و ضرورت آموزش به زبانهای مادری تاکید داشته و آن را حق طبیعی میلیونها کودکی میداند که زبان مادریشان فارسی نیست. نبود آموزش به زبان مادری تنها یک حق پایمال شده میلیونها کودک و آزار آنان نیست، بلکه همزمان، اجبارآنان است به آینده ای ناموفقتر و فرودستتر به نسبت کودکان فارسی زبان و در همانحال تشدید ستمگری بر تمامی ملیتهای ایران است.

حق تحصیل به زبان مادری یک حق دموکراتیک است که همچون بسیاری دیگر از حقوق دموکراتیک مردم ایران از سوی حکومت اسلامی زیرپا گذاشته شده است. ما از همه اشخاص، جریانات و نهادهای ترقیخواه مدافع حقوق بشر دعوت میکنیم تا با اعتراض علیه این طرح فاشیستی و ستمگرانه، رژیم را به عقب نشینی وادارند.

ایران از آن تمامی مردمان و ملیت های آن است و تنها با حقوق برابر آنها و تکیه بر صلح و همزیستی دموکراتیک میان آنها میتواند به کاروان دموکراتیسم و ترقی در جهان بپیوندد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” *

23 مردادماه 1398 - 14 اوت 2019

*- احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده : اتحاد دموکراتیک آذربایجان - بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب تضامن دموکراتیک اهواز، حزب دموکرات کردستان ایران، حزب دموکرات کردستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، کومه له زحمتکشان کردستان